قیام تازهٔ مردم ایرلند در برابر استعمار انگلیس

با گذشت یک‌سال از مرگ «بابی‌ساندز» اوضاع ایرلند شمالی بحرانی‌تر شده است

● بگزارش واحد مرکزی خبر از لندن ، درپی شورش های اخیر در ایرلند شمالی این ناحیه بار دیگر شاهد زدو خورد میان جمهوریخواهان و نیروهای امنیتی رژیم پادشاهی انگلیس بود و در زدوخوردی که چندین ساعت بین صدهاتن از جوانان ایرلندی از یکسو وپلیس و نیروهای ارتش سلطنتی ازسوی دیگر در بلفاست روی داد، عده بسیاری مجروح شدند.

در این درگیریها نیروهای ارتش سلطنتی انگلیس بار دیگر از گلوله های موسوم به گلوله های پلاستیکی که تاکنون در شورش های ایرلند شمالی موجب قتل بسیاری از تظاهرکنندگان گردیده‌است، استفاده کرده‌اند. مشکلات اقتصادی ـ سیاسی که در حال حاضر انگلیس باآن دست‌به گریبان است معمولا بیشترین عکس‌العمل‌ها رادر میان اقلیت های نژادی و ملی این کشور موجب شده است. ۲۰درصد ازقریب‌به ٤میلیون بیکاراین‌کشور در ایرلند شمالی، که جمهوریخواهان آن برای اتحاد با ایرلند جنوبی و پایان دادن به سلطه انگلیس مبارزه می‌نمایند، زندگی می‌کنند.

بیکاری و فقر در میان رنگین‌پوستان و مهاجرین به این کشور، که سبب شورش های اخیر سیاهپوستان در شهر «لیورپول» گردید، زنگ خطر را برای حتی محافظه‌کارترین سیاستمداران این کشور بصدا درآورده است، بطوریکه یکی از مقامات رسمی شورای شهر لیورپول اوضاع بحرانی آن را شبیه به‌یک انقلاب توصیف کرد. واین در حالی است که‌دولت حاکم در این کشور بعدم توانائی درحل مشکلات موجود اعتراف دارد .آخرین گزارش رسمی درباره میزان تولیدات صنعتی این کشور که چند روز قبل انتشار یافت نشان دهنده ۱٫۵ درصد تنزل صادرات این کشور در مقایسه باسال قبل است. بعقیده ناظران آگاه، بحرانی‌تر شدن اوضاع ایرلند شمالی، حتی پس‌از سپری‌شدن یکسال ازاعتصاب غذا ومرگ بابی‌ساندز و دیگر زندانیان عضو ارتش جمهوریخواه ایرلند شمالی و اعتصابات و نارضایتی‌ها در انگلیس، نشان دهنده این واقعیت است که روش‌های سیاسی ـ اقتصادی اعمال شده از سوی دولت تاچر، بخصوص درباره ایرلند شمالی ، موثر نبوده است.

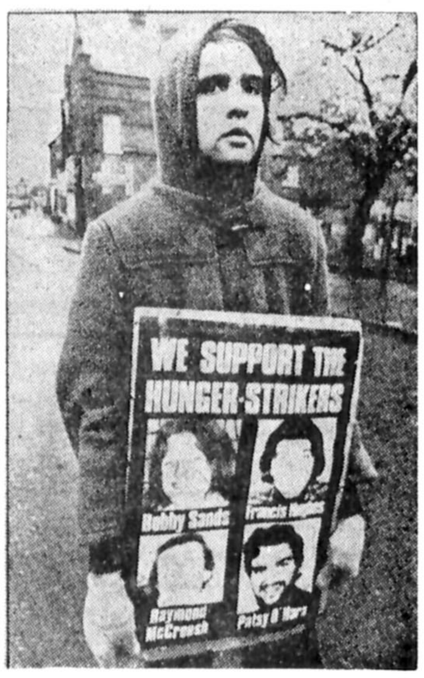

یک کودک ایرلندی با دردست داشتن پوستری از عکسهای بابی ساندز و یارانش خاطره مبارزات قهرمانانه آنها را علیه استعمار انگلیس زنده نگه داشته است .

بازیهای سیاسی درنیجریه

از : مسلم مدیا
ترجمهٔ : منوچهر آزاد

● «سرهنگ» اوجوکوو در بازگشت به لاگوس در ۱۸ ژوئن با استقبال گرم ایبوها روبرو شد .

بازگشت « سرهنگ»او ـ دومه‌گوو اوجوکوو از تبعید دوازده ساله‌اش در ساحل عاج ، به دنبال بخشودگی کامل‌او از جانب پرزیدنت‌شهوشگاری صورت می‌گیرد . پرزیدنت شگاری طی دو ژست بموقع نمایش «بزرگواری» تصمیم گرفته است«سرهنگ»اوجوکوو که رهبری جنبش جدائی ـ طلبانه‌ی «بیافرا» را از۱۹۶۷ تا ۱۹۷۰ برعهده داشت و «ژنرال» یاکوبوگاوون راکه در زمان ریاست بر حکومت نظامی بد عمل کرده بود ، عفو کند . گاوون ازهنگام سرنگونیش توسط ژنرال مورتالا محمد در انگلستان به حال « تبعید» بسر می‌برد .

گاوون زمانی سرنگون شد که از سپردن قدرت به مردم سرباز زد و اقدام به واگذاری امتیازات منابع کشور به‌منافع خارجی‌کرد. وی در دوران فرمانداریش از انگلستان دیداری انجام داد که به نحوی گسترده درباره‌ی آن تبلیغ شده‌بود، و در پی آن مقاطعه های کلانی بشرکت‌های انگلیسی داده شد ، و همانگونه که پیش بینی میشد ، وقتی‌که سرنگون گردید ، بریتانیارا برای گذراندن تبعیدش انتخاب کرد. از نظربسیاری از نیجریه‌ای ها ،«ژنرال» گاوون در «قضیه‌ی‌دیمکا»در سال ۱۹۶۷ ، دست داشت، یعنی زمانی‌که سرلشگردیمکا کوشیدبایک کودتای‌نافرجام که ضمن آن ژنرال مورتالا محمد به قتل رسید ، قدرت را بدست بگیرد . گفته می‌شود که گاوون از یک بخشودگی ساده ناراضی است،اومیخواهداز اتهامات وارده تبرئه و عناوینش‌به او بازگردانده شود. ازاو که در شمال مسلمان نشین نیجریه ،یک مسیحی بشمار می‌آید ممکن است خواسته شود نقشی هم در سیاست های این کشور چند مذهبی و چند قبیله‌ای بازی کند . برای بیافراو اوجوکوو ، قضیه بمراتب‌پیچیده‌تراست، این جنبش جدائی طلب به سرعت پیرامون ٤ میلیون کاتولیک رومی در استان ـ های شرقی که‌اتفاقا قسمت اعظم‌نفت کشورهم‌درآنجاست، متبلور شد .این‌جنبش‌مورد حمایت پاپ‌وکلیسای کاتولیک رومی ،فرانسه ونیمه‌رهبر رئیس جمهور تانزانیا قرار گرفت . فرانسه‌وکلیسای کاتولیک‌رومی امیدواربودند یک دولت نروتمند مسیحی ایجاد وبدین ترتیب اکثریت مسلمان مردم‌نیجریه رامنزوی کنند.پرزیدنت نیمه‌رهبر«وظیفه‌ی پسیج حمایت آفریقا برای بیافرارا بعهده گرفت . به یاد آورده خواهد شد که نیمه‌رهبر کسی است که می‌ـ خواست مسلمانان راتحت «رهبران» مسیحی درآورد. غیراز تانزانیا ،وی این‌فرمول راپیروزمندانه در موزامبیک هم پیاده کرد.

تلاش برای تجزیه ، به بهای جان دومیلیون تن‌تمام شد وتقریبا تمامی کشور را متلاشی کرد. در مورداعطای بخشودگی به اوجوکوو ، استدلال میشود که‌بسیاری ازهمدستان اوبخشوده‌شده وهم اکنون در کشور دارای مقام های عالی هستند . بنابراین ، استدلال میشودکه نباید اوجوکوو بنحوی نامتناسب تنبیه شود. ناظران صحنه‌ی نیجریه این واقعیت راازیاد نبرده‌اند که عفو اوجوکوو تنها چند هفته پیش از دیدار پاپ ازنیجریه صورت می‌گیرد .

درپی‌ازسرگیری مناسبات زئیر با اسرائیل ، در نیجریه هم‌بحثی درباره پیروی از این سرمشق درگرفته است

می‌باید ذهن پرزیدنت‌شگاری به‌انتخابات ۱۹۸۳ مشغول باشد . حزب ملی خلق دکتر نامادی آزی کیوه (ح‌خ) ، حزب‌پایه وحدت نیجریه (یو‌پی‌ان) به رهبری رئیس (قبیله) اوپافه می‌آوولووو که پایگاه آن درغرب است و دو حزب‌کوچکتربرای معارضه باحزب حاکم . (ان‌پی‌ان) (حزب ملی نیجریه) اتحادی تشکیل داده‌اند . تنها رقیب معتبر آزی کیوه درسرزمین ایبو اوجوکوو است . به مساله‌ی نقش اوجوکوو دران‌پی‌ان‌تازمانی که به کشور بازگردد و میانجیگری احتمالی پاپ از جانب او ، تا مدت زمانی نمی‌توان پاسخ داد.

حوادث غیر مترقبه

درگیرودار این بخشودگی ها حوادث غیر مترقبه‌ی دیگری اتفاق افتاده است . درپی از سرگیری مناسبات زئیر با اسرائیل، در نیجریه هم بحثی درباره‌ی پیروی‌از این سرمشق درگرفته است. استدلال می‌شود،که‌بازگشت سینا به مصر، علت اصلی قطع روابط در ۱۹۷۳ رااز میان برمی‌دارد. به علاوه ، کشور می‌تواند از تخصص اسرائیل در کشاورزی و زمینه های دیگر سود ببرد. تنها عوامل مخالف که باید روی‌آن‌حساب کرد،مناسبات نزدیک نظامی اسرائیل با آفریقای جنوبی و خطر از دست رفتن مساعی جاری اوپک برای تقویت اقتصاد نیجریه است. به حساسیت اکثریت مسلمان مردم‌نیجریه اشاره‌ای نمی شود . در واقع، یک سوم ازنمایندگان منتخب کشور با امضای لایحه‌ای درخواست اعاده‌ی روابط با اسرائیل‌کرده‌اند.

بخشودگی گاوون و اوجوکوو درمطبوعات نیجریه‌ای و غربی به مثابه اقدامی بزرگوارانه از سوی پرزیدنت شگاری قلمدادشده است .

ناظران شکاک، انگیزه‌ی رئیس جمهور را برای‌بقای سیاسی در انتخابات ۱۹۸۳ که چندان دور نیست، در کار می‌بینند. بهرحال، این واقعیت برجاست که عفو جنایتکاران و عوامل قتل بیش از دو ملیون‌تن‌بطور قطعی دستگاه اخلاقی‌جامعه را نابود می‌کند، وسیاست رافوق عدالت قرار می‌دهد. کاری که در عصر «حقوق بشر» غیرعادی نیست!

در عرصه‌ی سیاسی‌نیجریه، بخشودگی دو چهره‌ی ضد مسلمان و درخواست از سرگیری روابط با اسرائیل علائم واضحی هستند دائر براینکه دستگاه حاکم به هر کاری دست می‌زند تااکثریت مسلمان جمعیت را درساخت سیاسی غیر مذهبی و ضد اسلامی کشور ادغام کنند.

مسلمانان نیجریه تاکنون آگاهی خود نسبت به‌این‌نیت را با امتناع از دیدار پاپ طی سفر اخیرش، وفعالیت دوباره برای برقراری قانون شریعت در مناطق مسلمان‌ـ نشین نشان داده‌اند. چنین بی‌اعتنائی نسبت‌به‌احساسات مسلمانان،همانگونه که‌اخیرا ظاهر شده است، می تواند به سخت‌تر شدن عقاید و نظرات مسلمانان منجرشود.

بحران در غرب

فرار اتباع آلمانی از این کشور

بگزارش واحد مرکزی خبر از بن، براساس گزارش سالانه «مرکز رسیدگی به وضع اتباع آلمانی مقیم خارج از کشور» در شهر «برمن» آلمان فدرال، سیاست خارجی ، نا ضابتی از اوضاع داخلی آلمان و بیم از استقرار موشکهای جدید اتمی آمریکا درا روپا وهمچنین موشکهای شوروی که این قاره را تهدید میکنند، هر سال تعداد بیشتری از اتباع آلمان را ناگزیر به جلای وطن و اقامت در کشور های دگر می‌سازد .

طبق آمار منتشر شده از طرف این مرکز، طی‌سال گذشته ۵۵۰۰۱ نفر آلمانی کشور خود را ترک کرده‌اند که این رقم در مقایسه باسال قبل ۵۹٫۷ درصد افزایش یافته است .

براساس گزارش سالانه این مرکز، رقم موجود تنها شامل کسانی میشود که مراکز ذیصلاحیت را از رفت خود باخبر کرده‌اند، در حالیکه از شماره کسانیکه بدون اطلاع مرکزمربوطه کشور خود راترک نموده‌اند. هیچگونه اطلاعی در دست نیست.

فساد روزافزون در جوامع غربی

● فساد وانحطاط اخلاقی درجوامع غربی روز بروز افزایش یافته وابعاد گسترده‌تری بخود می گیرد. بگزارش واحد مرکزی خبر ازبن، خانم «الیزابت تروب بکر»استاد دانشگاه «دوسلدورف» ورئیس موسسه‌حقوق پزشکی دراین دانشگاه درکتابی که‌اخیرا تحت عنوان «اعمال زور علیه کودکان» منتشر ساخته است تعدد کودکانی که سالانه قربانی هوسرانی‌های بزرگسالان می‌شوند را هجده هزارنفر برآورد کرده‌است.یادآوری می‌شود که‌این رقم مربوط به‌مواردی است که این قبیل جنایات فاش شده است، درحالی‌که رقم واقعی‌بین‌شش تاهشت برابر آن می‌باشد وبسیاری از خانواده‌هابمنظور حفظ آبروی خود ازعلنی شدن این مطالب خودداری می‌کنند. روزنامه فرانکفورتر روندشا که این مطلب‌رادر شماره اخیر خود به‌چاپ رسانده، بنقل از این استاد دانشگاه دوسلدورف می‌افزاید:هفتاد وپنج‌درصدجنایاتی که‌نسبت به‌کودکان نابالغ اعمال می‌شود را روابط نامشروع پدران بادختران خود تشکیل می‌دهد. خانم تروب‌بکر در کتاب خود سیصد فقره از این جنایات را مورد بررسی و مطالعه قرار داده است.

افزایش گرایشهای فاشیستی در آلمان فدرال

● روزنامه «فرانکفورتر روندشا» درشماره اخیر خود به‌نقل ازرئیس حزب نئوفاشیستی آلمان فدرال می نویسد: درحال حاضر تعداد اعضاء این حزب‌درآلمان فدرال به‌ده هزار نفر وهواداران آن به‌صد هزار نفر رسیده است وطرفداران آن درایالت «باواریا» ازقدرت بیشتری برخوردار هستند. رئیس حزب نئوفاشیستی آلمان فدرال اعلام‌کرد که‌باافزایش تبلیغات علیه‌کارگران خارجی ازابتدای سال مسیحی تعداد اعضاء این حزب افزایش چشمگیری یافته است وبهمین دلیل درانتخابات ایالت «باواریا» که‌در ۱۰ اکتبر سال جاری‌مسیحی‌برگزار می‌شود باشعار ضدیت باکارگران خارجی به تبلیغات انتخاباتی خواهد پرداخت تااز این طریق آراء بیشتری بدست آورد !

ـ لازم بیادآوری است‌که پس‌از شکست فاشیسم درآلمان درپایان جنگ جهانی دوم قانون اساسی‌جدید آلمان فدرال فعالیت گروه‌های فاشیستی را غیر قانونی اعلام کرد، بااینحال تعداد زیادی از احزاب وگروهک‌های فاشیستی دراین کشور فعالیت دارند ودولت نیز فعالیت آنهارا بی‌اهمیت جلوه می‌دهد .

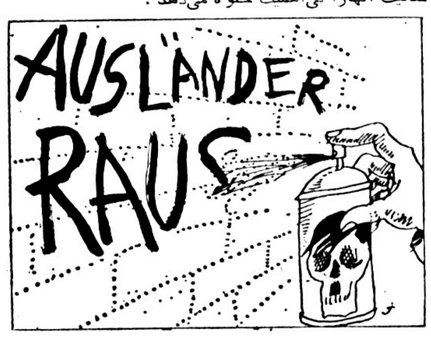

شعارهای ضد خارجی روزبروز در آلمان‌فدرال افزایش می یابد و دولت آلمان گرایشات فاشیستی را نادیده می گیرد، زیرا بدینوسیله افکار مردم را از مسائل بیکاری، کاهش هزینه خدمات رفاهی و... دور می کند و خارجی‌ها را مقصر جلوه می دهد . (طرح از نشریات خارجی).

وخامت اوضاع اقتصادی آمریکا

● روزنامه «زوددویچه تسایتونگ» چاپ مونیخ در شماره اخیر خود طی تفسیری در مورد سیاست های اقتصادی ریگان، از جمله می‌نویسد :

وخامت اوضاع اقتصادی آمریکا طی چهل سال اخیر بی‌سابقه بوده است تاجائیکه براساس آمار رسمی میزان بیکاری در آمریکا به ۹٫۸ درصد رسیده است. تنها دریک سال اخیر ۱٫۱ میلیون نفر برشمار بیکاران آمریکا افزوده شده است .

میزان بیکاری بین سیاهپوستان آمریکا که تنها ۱۱درصد جمعیت این کشور را تشکیل میدهند ۱۸٫۵ درصد وبین آمریکائیان که‌اصلیت اروپائی ندارند ۱۳٫۹ درصد میباشد. این در حالی است که میزان بیکاری بین آمریکائیان سفیدپوست تنها ۸٫۶ درصد است .

ریگان کاریکاتور خود را به خبرنگاران نشان می دهد...ولی بنظر می رسد که او دیگر با این دلقک‌بازیها نمی‌تواند مردم آمریکا را بفریبد .

محبوبیت ریگان همچنان رو بکاهش است

● واحد مرکزی خبر به‌نقل از خبرگزاری فرانسه از نیویورک گزارش داد: محبوبیت رونالدریگان رئیس جمهوری آمریکا نسبت به‌آغاززمامداری وی‌درپائین‌ترین سطح ممکن است. دریک سنجش افکارکه اخیرا برای شبکه تلویزیونی «ان. بی.سی» بعمل آمد، دیده‌می‌شود میزان «محبوبیت» ریگان مرتبا کاهش یافته است . مثلا دریکسال پیش شصت وسه درصد افرادی که از آنها سئوال شده است از وی راضی بوده‌اند و حال آنکه درماه ژوئن گذشته این‌رقم به‌چهل وسه درصد کاهش یافته است. درزمینه سیاست خارجی سی‌وچهار درصد افرادکه مورد سئوال قرار گرفته‌اند راضی بوده‌اند و حال آنکه درماه ژوئن این‌رقم چهل‌ودو درصدویکسال قبل چهل‌وشش درصد بوده‌است .

این سنجش افکار برروی یکهزار و ششصدنفر در سراسر آمریکاعمل‌شده وسئوال از یکهزارو ششصد نفر را بعنوان نمونه‌ای از کل جمعیت آمریکا می‌توان بحساب آورد .

پیدایش سازمان ملل‌متحد

نتایج وحشتناک جنگهای جهانی

★ برای شناختن «سازمان ملل‌متحد» ونحوه عمل‌و آثارآن در جهان واهداف ومقاصدش قبل از هرچیز باید ریشه‌های تاریخی آنرا بشناسیم وبدانیم که اصولا این سازمان کی، چگونه وچرا بوجود آمد؟واز آنجاکه‌میدانیم سازمان ملل بعد از جنگ دوم وبه عنوان نمونه کاملتری از«جامعه ملل»ایجادشدونیز به آن دلیل که جامعه ملل محصول جنگ اول جهانی بود، ضروری‌است که مختصری از این جنگ وعلل وعوامل آنرا بازشناسیم . در عین‌حال تاریخ‌نویسی از موارد مشخصی است‌که بسیار عمیق و شدید تحت تاثیر «منافع‌واهداف» شکل گرفته است‌تا براساس «واقعیت وحق» وبنابر این‌به اغلب اسناد‌تاریخی، براحتی ـوحتی به ـسختی هم ـنمی‌توان اعتماد نمود ومی‌ـ بایدازمیان انبوه وقایع‌ویادداشت‌ها وبینشها و مطامع و اغراض با دقت وموشکافی در دل‌واقعیات رسوخ‌کرد و حقایق‌رازمیان‌توده‌ای‌ازاخبارو نوشته‌هابدرآورد.بهرحال...

«جنگ جهانی اول» بین سال های ۱۹۱٤ تا ۱۹۱۸ بین انگلستان وفرانسه وروسیه تزاری وایتالیا وآمریکا وژاپن ازیکسو و امپراطوری عثمانی وآلمان‌و اتریش ـ هنگری‌و بلغارستان از سوی دیگربروز نمود .

در سال های قبل از شروع جنگ انگلستان یک‌قرن امپراطوری استعماری رابشتمر گذارده وبربیش ازنیمی از جهان سلطه داشت . روسیه تزاری بانظام پوسیدهٔ فئودالی نفس های آخر رامی‌کشید . آمریکا مست از ثروت ورفاه وباغارت آمریکای لاتین در جهان به‌کشوری مرفه وآزاد معروف بود وایده‌آل«بسیاری از مردم جهان. ژاپن‌به تازگی از دو قرن جدایی کامل از تمامی جهان بدرآمده‌بود. آلمان وفرانسه و ایتالیا نیرو های استعماری بودندو درعین‌حال از قدرتهای مهم جهان. امپراطوری عثمانی باترسی که در عرض سه چهار قرن بدل اروپا انداخته‌بود زندگی می‌کرد والاددرون فروتوت‌و ناتوان‌وفاسد شده بود وبقیه عالم از چین‌وهند گرفته تا آفریقا ودیگران تحت بدترین شرایط استثمار واستعمار وجهل وفساد وبدبختی گرفتار این قدرتهای‌نظامی‌وسیاسی واقتصادی بودند . علت ظاهری جنگ دشمنی آلمان از یکسو بافرانسه‌برسر بعضی اراضی ، از سوی دیگر با روسیه بخاطر بالکان ودست‌یابی به مدیترانه‌وباانگلستان دررقابت شدید مستعمراتی ودریایی بود .

بهرحال جنگ شروع شد وچهار سال ادامه یافت‌و با۱۰میلیون کشته‌و۲۰ میلیون زخمی وخسارات بسیار تمام شد درحالیکه روسیه‌تزاری‌بایک انقلاب سوسیالیستی نابودشده وتبدیل به اتحاد جماهیر شوروی‌شد.

امپراطوری عثمانی تکه‌پاره شد و ازآن کشورهای ترکیه وسوریه واردن ولبنان وعراق‌و عربستان وفلسطین در آمد. آلمان شکست خورد ،ولی همهٔ بنیان‌های‌سیاسی واقتصادی واجتماعیش تا حدودی دست‌نخورده باقی ماند وتوانست خود را سریا نگه‌دارد . انگلستان گرچه فاتح جنگ‌بود، ولی لطمات سنگینی خوردوبعداز جنگ به گرفتاریهای فراوان اقتصادی و اجتماعی‌دچارشد .

آمریکا بدور از صحنهٔ اصلی جنگ از یکسوارد صحنه جنگ جهانی شد و از سوی دیگربرنده اصلی‌جنگ بود،به‌خصوص ازنظر اقتصادی ، چون تقریبا به اغلب کشورهاوامپای کلان دادواز این‌راه ثروت های هنگفت اندوخت .

فرانسه‌به شدت آسیب دید ، ولی در عین حال جزو فاتحین بودو هنوز در تعیین مسیر حرکت جهان نقش داشت .

ژاپن وایتالیاودیگران کم‌وبیش وضع‌خودراتاحدودی حفظ کردند ، اگرچه خسارات جنگ شامل حال آنها نیزمی شد ویک امپراطوری دیگر هم‌ـ اتریش هنگری ـ دراثر جنگ اول‌ازهم پاشید وباعث تغییر نقشه‌اروپا گردید.

در چنین شرایطی پس از جنگ جهانی اول «جامعه ملل» بوجود آمد با پیشنهاد وودروویلسن رئیس‌جمهور آمریکا که در « اصول چهارگانه » خود آنرا گنجانده بود و با هدف « حفظ صلح ، داوری در مورداختلاف بین کشور ها و ترویج همکاری بین‌المللی» و براساس میثاقی که در معاهده ورسای بود . نقش اصلی را در این جامعه دول بزرگ ـ انگلستان ـ فرانسه ـایتالیا ـ ژاپن وبعدا آلمان وشوروی ـداشتند ،اما بتدریج کار ها فقط بدست انگلستان و فرانسه افتاد و اینبار نیز از آن به عنوان وسیله‌ای برای انجام مقاصد خود استفاده گردند .

جامعه ملل در اوضاع و احوال آن روز دنیادر واقع هیچ کاری از پیش نبرد ، ولی امور دولت ها بسوی شروع جنگ دیگری در جریان بود .

در سال ۱۹۳۹ جنگ دوم جهانی آغاز شد که‌از یک طرف متفقین ـ آمریکا ، شوروی ، انگلستان ، فرانسه ،چین ... ودر طرف دیگر ممالک محور ـآلمان، ایتالیا، ژاپن ـ در آن درگیر شدند . این جنگ در سال ۱۹٤۵ پایان یافت و نتایج زیر را ببار آورد :

ـ حدود ۵۰میلیون نفر کشته وخرابی ها وخسارات غیر قابل محاسبه .

ـ نابودی آلمان نازی و تقسیم آن بدو کشور.

ـ از بین رفتن نظام فاشیستی موسولینی در ایتالیا.

ـ تسلیم بلاشرط ژاپن به متفقین .

ـ تحمل خسارات سنگین بوسیله انگلستان و از دست دادن عنوان قدرت شماره یک در صحنه‌بین‌المللی.

ـ خسارات سنگین برای فرانسه و تغییرات عمده در آن کشور .

ـبیشترین تلفات انسانی و اقتصادی در شوروی بود ـ حدود ۲۰ میلیون نفر کشته ـ اما نظام استالینی در آن کشور تقویت گردید .

ـ بالاترین بهره ها برای آمریکا ببار آمد .باکمترین میزان خسارات‌وبعهده گرفتن نقش اولین قدرت‌اقتصادی وامپریالیستی

پیامد های جنگ دوم در جهان بسیار است ، ولی چندمورد خیلی چشمگیر وموثر بوده است :

ـ ایجاد سازمان ملل متحد .

ـ انقلاب سوسیالیستی در چین .

ـایجاد دولت اسرائیل به جای کانون ملی یهودیان در فلسطین .

بدنبال اینگونه حوادث است که «سازمان ملل متحد» در عرصه سیاسی و بین‌المللی جهان ظاهر شد واکنون تاریخچه مختصری از کلیات درباره این سازمان‌و اهداف و مقاصد آن چنانکه بطور رسمی درباره آن منتشرشده است ، تابعد به نقد و بررسی آن بپردازیم .

نیاز ها و نیت های عمیقی که الهام دهنده تاسیس سازمان ملل متحد بوده‌اند در مقدمه منشور ملل متحد اعلام شده‌اند ، این منشور در تاریخ ۲٦ ژوئن ۱۹٤۵ در شهر سانفرانسیسکو به امضاء رسید :

« ما مردم ملل متحد مصممیم که نسل های آینده را از بلای جنگ که دوبار در مدت عمر یک انسان‌افراد بشر را دچار مصائب بیان ناپذیر کرده است ، حفظ کنیم و ایمان خود را به حقوق اساسی بشر ، حیثیت و ارزش شخصیت انسانی به برابری حقوق مرد و زنو همچنین برابری حقوق ملت های بزرگ و کوچک به ایجاد شرایط لازم برای حفظ عدالت و احترام به‌الزامات ناشی از معاهدات و سایر منابع حقوق بین‌المللی اعلام داریم و به پیشرفت اجتماعی و شرایط زندگی بهتر به آزادی بیشتر کمک کنیم .

« برای تحقق یافتن این مقاصد مصمم شده‌ایم‌تشریک مساعی کنیم . از این‌رو دولت های متبوع ما توسط نمایندگان خود که در شهر سانفرانسیسکو گرد آمده‌اند و اختیارات تامه آن ابراز شده و صحت و اعتبار آن محرز شناخته شده است در مورد این منشور ملل متحد توافق حاصل کرده‌اند و بدین وسیله سازمانی بین‌المللی که به « سازمان ملل متحد » مرسوم خواهد بود تاسیس میکند .»

(ادامه دارد)

دوجنگ جهانی قدرت های اروپائی را تضعیف کرد و آمریکا به عنوان قدرت اول امپریالیستی گام پیش نهاد

فعالیتهای سیاسی «پولیساریو» در آمریکای لاتین

از: لوموند دیپلماتیک (چاپ‌فرانسه)

● رهبری جبهه «پولیساریو» بدنبال عضویت جمهوری عربی دموکراتیک صحرا در سازمان وحدت آفریقا در نوبه گذشته طی اجلاس پر مباحثه وزرای امور خارجه آن سعی براین دارد تااز حمایت سیاسی کشور های بیشتری برخوردار شود. بدین ترتیب دیدار اخیر آقای محمد عبدالعزیز دبیرکل جبهه پولیساریو از پاناما وکوبا، بمنظور جلب‌حمایت کشور های دیگر، ازاهداف این جبهه بود. ده کشور آمریکای مرکزی و کارائیب در کنار چهل کشور دیگر جهان از سال ۱۹۷٦ که موجودیت این کشور اعلام شد آنرا برسمیت شناخته‌اند. در آمریکای لاتین اولین کشوری که جمهوری عربی دموکراتیک صحرا را برسمیت شناخت پاناما بود و کشور های دیگری بترتیب موجودیت آنرا پذیرفتند : گرانادا (۱۹۷۹)، گویانا (۱۹۷۹)، دومینیکن (۱۹۷۹) ، سنت‌لوسی (۱۹۷۹) ، جامائیکا (۱۹۷۹) ، نیکاراگوئه (۱۹۷۹)، مکزیک (۱۹۷۹)، کوبا (۱۹۸۰) و کاستاریکا (۱۹۸۰) .

بنظر میرسد پولیساریو نسبتا آسانتر از سازمان آزادی بخش فلسطین طرفداران در این ناحیه برای خود کسب می‌نماید. تاکنون چهار کشور آمریکای لاتین سازمان آزادیبخش فلسطین را بعنوان تنها نماینده قانونی فلسطینی‌ها برسمیت شناخته‌اند و اجازه گشایش دفاتری کم وبیش معادل سفارت به آن داده‌اند، اما گذشته استعماری اسپانیائی صحراوی‌ها، تنها سبب ایجاد چنین همبستگی در آمریکای لاتین نشده است ، تعداد محدودی از کشورهای اسپانیولی زبان آنها را برسمیت شناخته‌اند، درحالیکه همه کشورهای انگلیسی زبان کارائیب دست به چنین اقدامی زده‌اند.

در کارائیب اعضای جبهه امتناع (الجزایر ـ لیبی ـ یمن‌جنوبی و سازمان آزادیبخش فلسطین) فعالیتهای فراوانی داشته‌اند. از آنجمله الجزایر است که دارای شبکه سیاسی گسترده‌ای برای تبلیغ نهضت صحرا می‌ـ باشد، اماکشورهای دومینیکن ونیکاراگوئه وسنت‌لوسی حتی قبل از برقراری روابط سیاسی با الجزایر ، پولیساریو را به رسمیت شناختند .

در ژانویه ۱۹۸۰، کمی بعداز تصمیم کنفرانس غیرمتعهدها در هاوانا، فیدل کاسترو جمهوری صحرا را برسمیت شناخت، اما سایر کشور های عضو نهضت غیرمتعهدها، مانند آرژانتین ، بولیوی، پرو، سوریه‌نام، ترینیداد و توباگو از این مشی پیروی نکردند.

پولیساریو برای ورود به صحنه آمریکای جنوبی «ونزوئلا» را انتخاب کرد. ونزوئلا عضو پیمان «آند» به همراه بولیوی ، کلمبیا، اکوادور و پرو میباشد . اما کوششهای پولیساریو تاکنون نتیجه‌ای ببارنیاورده است. در آغاز به سبب بهتر شدن روابط بین کاراکاس و الجزایر، پولیساریو امید برسمیت شناخته‌شدن توسط ونزوئلا را داشت. کمی پس‌از برسرقدرت آمدن، رئیس جمهور ونزوئلا «لوئیس هرمراکامپینس» یک هیات نمایندگی پولیساریو را بحضور پذیرفت و طی آن دیدار رئیس جمهور ونزوئلا به تکه برحمایت سنتی کشورش از «حق تعیین سرنوشت ملتها بوسیله خود آنها» اکتفا کرد. وی در سال ۱۹۸۰ طی مسافرتی که به الجزایر کرد اعلام داشت:

مسئله صحرا میبایست براساس حق خودمختاری و استقلال حل شود. در همان زمان وزیر امور خارجه ونزوئلا دربرابر هیات پولیساریو گفت: «ونزوئلا مسئله شناسائی جمهوری صحرا رابا همپیمانان آندی خود مورد مذاکره قرار خواهد داد».

از آن تاریخ تاکنون روشن شده که کوششهائی جهت نزدیک شدن به الجزایر در چهارچوب تحکیم روابط ونزوئلا باکشورهای عرب عضو سازمان اوپک، بعمل آمده است. بدین ترتیب دولت کاراکاس بدقت از جبهه‌گیری در اختلافات بین صحرا و مراکش احتراز کرده تاعربستان سعودی را که از ملک حسن جانبداری مینماید و همچنین الجزایر را در برابر خود قرار ندهد .

حتی اگر ونزوئلا مواضع خود را دراین زمینه به وضوح ابراز دارد، سایر کشور های عضو پیمان «آند» الزاما از چنین موضعی جانبداری نخواهند کرد، زیرا منافع کشور های عضو اکثرا متناقض میباشد ، مثلا کلمبیا و ونزوئلا دربرابر انضمام بلندی‌های جولان توسط اسرائیل واکنش یکسانی از خود نشان نداده‌اند در زمانی که‌رئیس سنای کلمبیا از جولان سوری پس‌از انضمام آن دیدار میکرد، همتای ونزوئلائی وی‌از چنین دیداری خودداری کرد .

مراکش در ناحیه کارائیب بعلت نداشتن نمایندگی سیاسی دارای طرفداران زیادی نمی‌باشد. این کشور تبلیغات خود را در کشور های اسپانیولی زبان متمرکز ساخته است. رباط روابط سیاسی خود را با هاوانا قطع کرده و سعی داشته با آمریکا در متهم ساختن کوبا به مداخله در اختلافات بین مراکش و صحرا، که سبب موفقیت نظامی پولیساریو گشته است ، همصدا شود .

همانطوری که میدانیم مراکش از مذاکره درباره راه‌حل صلح‌آمیز مسئله صحرا با پولیساریو خودداری می‌نماید و الجزایر را به عنوان تنها طرف مذاکره می‌ـ پذیرد، اما چنانچه جمهوری عربی دموکراتیک صحرااز سوی تعداد بیشتری از کشورها شناسائی میشد پادشاه مراکش آسانتر متقاعد میگشت که مذاکرات مستقیم با صحراوی‌ها تنهاراه رفع اختلافات میباشد.

(نقل از بولتن مطبوعات خارجی وزارت ارشاد اسلامی)

بنظر می‌رسد پولیساریو نسبتا آسانتر از سازمان آزادیبخش فلسطین طرفدارانی در آمریکای لاتین برای خود کسب می نماید